دستاوردهای ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه‌های دانشجویی[1]

حمیدرضا آراسته[2]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۰۶

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی وضعیت خوابگاه‌های دانشجویی به عنوان جوامع یادگیری (Learning Communities) و دستاوردهای آن بود. در آغاز ضمن جستجو در بانک‌های اطلاعاتی اریک و چکیده‌های آموزش عالی، یکصد و بیست مقاله‌ی پژوهشیِ مرتبط با موضوع شناسایی شدند. از این میان پنجاه و هشت مقاله که محقق آنها را مهم تشخیص داد، تحلیل و اطلاعات موجود در آنها استخراج گردید. در این پژوهش حجم فراوانی از اطلاعات کیفی (حدود ۸۵۰ صفحه) با هدف شناسایی توافقات و مفهوم‌سازی‌ها بررسی و کدگذاری شد. هدف از اجرای این مرحله آشکار ساختن دستاوردهای جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها بود. به طور کلی محقق از شش شیوه بهره برده است: ۱) کدگذاری اطلاعات، ۲) ژرف‌نگاری اطلاعات، ۳) شناسایی انگاره‌ها و تعابیر، ٤) میزان تکرار انگاره‌ها و تعابیر، ۵) اشتراکات و تفاوت‌های نتایج در پژوهش‌های انجام شده، و ٦) جمع‌بندی آرای برجسته. با استفاده از این شیوه، سه دستاورد مهم شامل بالندگی فردی، اجتماعی و علمی درباره‌ی جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها به دست آمد.

واژگان کلیدی:
دانشگاه، خوابگاه دانشجویی، یادگیری، جوامع یادگیری، رشد دانشجو

---

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی دانشگاه خوارزمی در سال ۱۳۹۲

۲. دانشیار دانشگاه خوارزمی. hrarasteh@yahoo.com

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

مقدمه

بسیاری از مؤسسات آموزش عالی استفاده از جوامع یادگیری را برای افزایش تعامل اجتماعی و دلبستگی به جامعه‌ی علمی و در نتیجه موفقیت تحصیلی مد نظر قرار داده‌اند (Kuh, 2008). در سال‌های اخیر، این جوامع همچنین به عنوان اقدامی برای افزایش علاقه دانشجویان برای ادامه‌ی تحصیل مورد توجه قرار گرفته است (Richburg-Hayes et al. 2008). برای مثال، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشورهای پیشرفته در پی ترکیب زندگی اجتماعی و علمی دانشجویان هستند- نظیر آنچه در دانشگاه‌های کهنی مانند آکسفورد و کمبریج مرسوم بود. یکی از این ابتکارات، استقرار مجدد جوامع یادگیری خوابگاه‌محور است (USD, 2014; UU, 2014)؛موضوعی که قرن‌ها در آموزش عالی به فراموشی سپرده شده بود. هدف اساسی از ایجاد این جوامع تسهیل تعاملات دانشجویان با استادان و همکلاسان در خوابگاه‌ها است(Humphreys, 2010) تا از این رهگذر، دانشجویان در محیطی خلاق و دانش‌بنیاد با همکاری یکدیدگر به مناظرات علمی بپردازند. تجربه نشان داده است که این امر یکی از مؤثرترین عوامل پیشرفت علمی در محیط‌های دانشگاهی است(Wallace, 2012) . علاوه بر اهداف علمی در جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها، طراحی و گسترش این جوامع با هدف رشد فردی و اجتماعی دانشجویان و آشنایی هرچه بیشتر آنها با چگونگی ترکیب فعالیت‌های اجتماعی با فعالیت‌های علمی همراه بوده است.

به نظر می‌آید ایجاد جوامع یادگیری به چهار دلیل اساسی رشد چشمگیر و روز افزونی در دانشگاه‌ها داشته است. نخست، چنانچه مفاهیم، موضوعات و بحث‌هایی که در کلاس مطرح می‌شوند مجدداً در محافل دیگر نیز از سوی دانشجویان مورد بحث و نقد قرار گیرند، آنان درک عمیق‌تری نسبت به مطالب درسی خواهند یافت. دوم،زمانی که دانشجویان موضوعات را با همتایان و همدوره‌ای‌های خود بررسی می‌کنند بیشتر می‌آموزند. سوم، وقتی دانشجویان در ضمن کار گروهیِ فعال، در آموزش و یادگیری، مسئله‌گشایی و بهره‌گیری عملی از آنچه خود و دیگران آموخته‌اند درگیر می‌شوند، بهتر و بیشتر یاد می‌گیرند. چهارم، اگر دانشجویان با همکلاسی‌ها و استادان خود در خارج از کلاس درس تعامل اجتماعی و علمی داشته باشند رضایت بیشتری از تحصیلات خود خواهند داشت و احتمال موفقیت آنها بیشتر خواهد بود.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

اینک باید بپرسیم با توجه به مطالب پیش‌گفته، جوامع یادگیری موجبات بالندگی در چه عرصه‌هایی را فراهم خواهند کرد؟

جوامع یادگیری

جوامع یادگیری به گروه‌هایی گفته می‌شود که با هدفی مشترک، به منظور برآوردن نیازهای علمی خود گرد می‌آیند. معمولاً افراد در این گروه‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به طور منظم با هم تعامل آزاد دارند. آنها انتظارات و وظایفی را برای جامعه‌ی یادگیری تعریف می‌کنند و مسئولیت انجام این وظایف را خود بر عهده می‌گیرند؛ به نظریات یکدیگر احترام می‌گذارند، و در صدد بهبود مهارت‌های فردی و شغلی خود هستند. به طور کلی هدف از تشکیل این جوامع را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: تغییر کارکرد اجتماعی به کارکرد یادگیری، پرورش مدیریت اثربخش، رشد توانایی‌ها و مهارت‌های دانشجویان، تغییر نگرش‌ها و رفتارها، و در نهایتْ گسترش آن در محیط بیرونی (جامعه) پس از دانش‌آموختگی. بنابراین، جوامع یادگیری نقش مؤثری در یادگیری دانشجویان ایفا می‌کنند. اما آنچه نقش جامعه‌ی یادگیری را در رشد دانشجویان پررنگ کرده افزایش تشکیل روز افزون این نوع جوامع در محل اسکان دانشجویان است (محمودی راد و آراسته، ۸۲).

یکی از نمونه‌های مهم جوامع یادگیری، خوابگاه‌های دانشجویی است. ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه‌های دانشجویی جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد که هدف از آن برداشتن مرزهای موجود میان اندیشه و زندگی، و زندگی اجتماعی و علمی است. دانشگاه‌ها با تشکیل جوامع یادگیری، روح تازه‌ای به خوابگاه‌های دانشجویی بخشیده‌اند (محمودی راد و آراسته، ۸۲).

در بسیاری از دانشگاه‌های برتر جهان، کمیته‌های متشکل از مسئولان امور دانشجویی، هیأت علمی و دانشجویان، با هدف بازنگری در رسالت خوابگاه‌ها و به منظور ایجاد جوامع یادگیری در آنها، تشکیل شده است. هدف از این گونه اقدامات ایجاد فرصت جهت تعامل بیشتر دانشجویان با هیأت علمی و مشارکت در امر یادگیری است. به‌طور کلی دانشگاه‌ها در کنار آموزش‌های سنتی که در آن دانشجویان به طور مستقل به فعالیت علمی می‌پردازند، بر یادگیری مشارکتی نیز تأکید دارند. اما به نظر می‌رسد آموزش هرچه بیشتر به سمت دانشجو محوری و شیوهٔ مشارکتی پیش می‌رود. اینک تشکیل گروه‌های یادگیری به صورت رویکردی بدیل در یادگیری درآمده است. بدین منظور در برخی از دانشگاه‌ها کلاس‌های عمومی، کلاس‌های تقویتی، مشاوره‌ی تحصیلی و روانشناختی و همچنین همایش‌های کوچک با

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

مشارکت هیأت علمی، در خوابگاهها تشکیل می‌شود. ارتباط نزدیک و خارج از کلاس‌های سنتی، حائز اهمیت فراوانی در امر یادگیری و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حتی برخی از دانشگاه‌ها دروسی را فقط در چارچوب جوامع یادگیری ارائه می‌کنند. در این دروس دانشجویان با هدایت استادان و خارج از کلاس‌های سنتی، در گروه‌های چهار یا پنج‌نفره به یادگیری می‌پردازند. چنین جوامعی می‌توانند فضایی را ایجاد کنند که منجر به تبادل اندیشه‌ها، ایجاد ایده‌های جدید و رشد فردی و در نتیجه بهبود کیفیت دانشگاه‌ها و تا حدودی نیز تغییر فرهنگ فردگرایی به جمع‌گرایی در میان تحصیل‌کرده‌ها شود.

به لحاظ نظری، هر چه جوامع یادگیری کوچک‌تر و شمار دانشجویان کمتر باشد میزان یادگیریِ فعال، تعاملات، مشارکت و ارتباط بیشتر با اعضای هیئت علمی و همچنین دانشجویانی که در سال و مقاطع بالاتر هستند افزایش می‌یابد. همچنین، تمرکز موضوعی، توانایی یافتنِ ارتباط میان دروس مختلف را تقویت می‌کند. دانشجویانی که در جوامع یادگیری فعالیت می‌کنند تمایل بیشتری به ادامه‌ی تحصیل و موفقیت دارند.

خوابگاه‌ها نباید صرفاً به عنوان مراکزی اجتماعی ظاهر شوند که فقط بخش اندکی از نیازهای ساده و اولیه‌ی دانشجویان، از جمله محل استراحت آنان را تأمین می‌کنند. امروزه خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های معتبر جهان ابزاری برای رشد و پویایی دانشجویان هستند. چنین دانشگاه‌هایی بر ایجاد محیطی تأکید می‌ورزند که افراد بتوانند فرصت بیشتری را به یادگیری و تحقیق اختصاص دهند. البته این موضوع پدیده‌ی جدیدی نیست، چرا که شواهد و قرائن نشان می‌دهند که مدارس و دانشگاه‌های کهن نیز به این امر توجه داشته‌اند. اینک خوابگاه‌های دانشجویی در ساختار دانشگاه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و با افزایش تعداد دانشجویان، ضرورت ارائه‌ی خدمات متنوع نیز بیش از گذشته احساس می‌شود.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تشکیل جوامع یادگیری، مختص و منحصر به دانشگاه‌های امروزی نبوده، بلکه در مراکز علمی اسلامی و ایرانی نیز از بیش از یکهزار سال قبل جایگاه ممتاز و ویژه‌ای داشته است. سابقه ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه‌های دانشجویی در غرب به دانشگاه بولونیای ایتالیا در قرن دوازدهم برمی‌گردد. در آن زمان، صدها دانشجو از نقاط مختلف جهان برای کسب علم رهسپار شهر بولونیا می‌شدند. این دانشجویان برای آنکه بتوانند در برابر فشارهای اقتصادی، به ویژه هزینه‌های مسکن و فشارهای کلیسا، در امان باشند، اتحادیه‌هایی تشکیل می‌دادند. آنان با چنین کاری می‌توانستند در قالب گروه‌های

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

کوچک، در محیط‌های که اجاره کرده بودند به طور گروهی به کسب علم بپردازند و علاوه بر آن، هزینه‌های مسکن خود را نیز کاهش دهند.

برنامه‌های درسی جوامع یادگیری نسبت به برنامه‌های متداول منسجم‌تر است. دانشجویان با احساس مسؤولیت مشترک به طور دسته‌جمعی در زمینه‌های نظری و عملی به کسب دانش می‌پردازند. مسؤولیت مشترک در جوامع یادگیری بر گرفته از وابستگی متقابلی است که دانشجویان نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند. همچنین، یادگیری اعضای جامعه بدون مشارکت آنان در انجام دادن وظایف گسترش نخواهد یافت (Tino V, 2003) .

از طرف دیگر، تحقیقات دهه‌ی اخیر در زمینه‌ی جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها نشان می‌دهد آشنایی با اثرات مثبت و نحوه‌ی راه‌اندازی این‌گونه جوامع مستلزم مطالعات بیشتری است. برخی محققان به دستاوردهایی نه چندان مثبت از جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها اشاره کرده‌اند. به باور اسکاد (Frazier and Eighmy, 2012; Schudde, 2011; Smith, 2011) با وجود شواهد نظری مثبتی که دال بر وجود رابطه‌ای بین نتایج اقامت در پردیس دانشگاه و موفقیت تحصیلی وجود دارد، اما ارتباطی علّی میان این دو دیده نمی‌شود. آنها توصیه می‌کنند که دانشگاه‌ها باید همواره تأثیرات خوابگاه‌های خود را بر نتایج تحصیلی دانشجویان مورد بررسی قرار دهند و سیاست‌های مناسبی را برای مدیریت خوابگاه‌ها اتخاذ کنند.

پژوهش ثارپ (Tharp, 2009) نیز به میزان تأثیر جوامع یادگیری در موفقیت تحصیلی دانشجویانی اشاره کرده است که در معرض خطر شکست تحصیلی بوده‌اند. یافته‌های پژوهش وی نیز اجرای رویکرد جوامع یادگیری را به عنوان روشی مؤثر در بهبود موفقیت تحصیلی دانشجویانِ در معرض ترک تحصیل، پشتیبانی نمی‌کند. وی پژوهش‌های جامع‌تر و عمیق‌تری را برای تعیین شرایط و اجزای سازنده‌ی جوامع یادگیری برای دانشجویانِ در معرض ترک تحصیل پیشنهاد می‌کند.

آندراد (Andrade, 2008) با هدفِ تعیین میزانِ توفیقِ جوامع یادگیری در امر مشارکت، رضایت، موفقیت و پشتکار به بررسی مطالعات منتشر شده پرداخته است. پژوهش او نتیجه می‌گیرد که جوامع یادگیری نتایج مثبتی را به ارمغان می‌آورد، اما به دلیل اندک بودن مطالعات انجام شده و تنوع برنامه‌ها، تعیین ویژگی‌های جوامع یادگیری- از جمله یکپارچگی محتوا،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

تکالیف هماهنگ، آموزش مهارت‌های آکادمیک و مربی‌گری در موفقیت تحصیلی- به راحتی صورت نمی‌پذیرد.

بیولی (Bewley, 2010) با استفاده از پژوهشی نیمه تجربی به بررسی تأثیر آن دسته از جوامع یادگیری پرداخته است که زندگی اجتماعی و یادگیری را با هم ترکیب کرده‌اند. نتایج تحقیق او نشان داد که جوامع یادگیری ایجاد شده در دانشگاه تأثیر معناداری در بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان نداشته‌اند. پژوهش وی همچنین شش عامل اساسی و مهم را برای موفقیت این‌گونه جوامع شناسایی می‌کند: رابطه‌ی مثبت میان امور آموزشی و امور دانشجویی، مشارکت اعضای هیأت علمی در خوابگاه‌ها، بودجه‌ی مناسب، راهبردهای ارزیابی، باور دانشگاه شمول برای ایجاد این‌گونه جوامع، و باور مسؤلان دانشگاه برای حمایت از تشکیل جوامع یادگیری.

این نکته را باید در نظر داشت که سازمان‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و مسأله‌گشایی با بررسی تجربیات و راه حل‌ها در سازمان‌های دیگر، همچون اسفنج عمل می‌کنند. آنها با بررسی تجربیات و فراگیری راه حل‌ها، راهبردهایی را برای بهبود کیـفیت معرفی می‌کنند. شمار زیادی از مکتوبات موجود در باره‌ی جوامع یادگیری در خوابگاه‌های دانشجویی عمدتاً به بحث‌های نظری درباره‌ی ارتباط این‌گونه جوامع با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرداخته‌اند و به سایر دستاوردهای آن توجه اندکی داشته‌اند. اما مطالعات جدید (Forret et al 2007) نشان می‌دهند که دانشگاه‌ها هم اینک در پی یافتن راه‌هایی برای توسعه‌ی جوامع یادگیری هستند، زیرا دریافته‌اند که تشکیل جوامع یادگیری می‌تواند منجر به بروز نتایج مثبت در بهبود عملکرد علمی، فردی و اجتماعی دانشجویان شود (Swaner& Brownell, 2008).

جوامع یادگیری سرچشمه یادگیری‌های تجربی و مشارکتی هستند. پژوهش‌های پیشین درصدد ابراز این واقعیت‌اند که تلاش‌های بسیاری برای بهبود کیفیت زندگی و یادگیری دانشجویان از سوی دانشگاه‌های برتر صورت پذیرفته است. از طرفی، بررسی گسترده محققان، اثربخش بودن این تلاشها در خصوص تشکیل جوامع یادگیری را مد نظر قرار داده‌اند. از سویی به نظر می رسد تشکیل این گونه جوامع در خوابگاههای دانشجویی از رشد چشمگیری برخوردار شده است. بسیاری از دانشگاهها خوابگاهها را به مثابه محیطی برای یادگیری همه جانبه دانشجویان طراحی کرده و رشد همه ابعاد وجودی آنان را مورد توجه قرار داده‌اند . نتیجه تحقیقات روی این جوامع ، بیانگر تأثیر قوی و به سزای آنها است؛ هرچند پژوهشهای اندکی،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

اثر گذاری ضعیفی را گزارش کرده‌اند. به واقع، دانشجویان در این جوامع، در مقایسه با سایر دانشجویان، نمرات بیشتری کسب کرده واز رشد فردی و اجتماعی بهتری بهره مند گردیده‌اند. پژوهش حاضر بر آن است که با عنایت به مطالعات پیشین و ترکیب یافته‌های متفاوت، دستاوردهای توسعه‌ی جوامع یادگیری را ارائه و میزان اثربخشی این‌گونه جوامع در خوابگاه‌ها را جمع‌بندی کند.

روش تحقیق

برای فهم و شناخت بیشتر از الزامات راه‌اندازی جوامع یادگیری در خوابگاه‌های دانشجویی روش تحلیل محتوا برگزیده شد. تحلیل محتوا، روشی منظم برای چکیده کردن متون و دسته‌بندی کلمات و عبارات بر اساس کدگذاری (Krippendorff, 1980) و همچنین روشی کیفی و نظام‌مند به منظور خلاصه کردن اسناد و ایجاد دسته‌های مختلف بر اساس دستورالعمل‌های روشن کدگذاری (Stemler, 2001; Howard, 2000) و شناسایی محورهای تکرار شده در متن است (Carley and Dale, 1997; Smith, 1992). این روش به پژوهشگران امکان می‌دهد تا به بررسی نظام‌مند اسناد برای کشف و تفسیر رفتار افراد، گروه‌ها و سازمان بپردازند (Weber, 1990).

محقق در ابتدا ضمن جستجو در بانک‌های اطلاعاتی اریک و چکیده‌های آموزش عالی، یکصد و بیست مقاله‌ی پژوهشی مرتبط با موضوع را شناسایی کرد و سپس از میان آنها پنجاه و هشت مقاله را که مهم تشخیص داده شده بود مورد تحلیل قرار داد و اطلاعات آنها را استخراج کرد.

نظر به اینکه روش تحلیل محتوا نوعی کاهش داده‌ها و مفهوم‌سازی است، کدگذاری و دسته‌بندی اطلاعات بر اساس رهنمودها و پیشنهادهای پرشینگ و نیز هانری و همکاران انجام شد(Pershing, 2002; Hanry et al, 1998) که شامل شش تکنیک بود: ۱) کدگذاری اطلاعات، ۲) ژرف‌نگاری اطلاعات، ۳) شناسایی انگاره‌ها و تعابیر، ٤) میزان تکرار انگاره‌ها و تعابیر ٥) مشترکات و تفاوت‌های نتایج در میان پژوهش‌های انجام شده و ٦) جمع‌بندی آرای برجسته.

در این پژوهش، حجم بالایی از اطلاعات کیفی (حدود هشتصد و پنجاه صفحه) با هدف شناسایی و تحلیل مفاهیم تأکیدشده بررسی شد و تحلیل مفهومی با تمرکز بر سؤال اصلی تحقیق آغاز و سپس متون در دسته‌بندی‌های مختلف کدگذاری گردید. در تحلیل، تمرکز

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

محقق بر تکرار موضوعات و مسائل در مقالات معطوف بود. گر چه ممکن بود مقالات به طور ضمنی- و نه صریح- به موضوعی اشاره کرده باشند، برخی واژه‌ها و عبارات که به صراحت بیان شده بود، به آسانی شناسایی شد. اما شناسایی برخی دیگر دشوار بود. محقق تا حدود زیادی بر این دشواری با مطالعه‌ی عمیق مقالات، فرهنگ لغات تخصصی و دانشنامه‌ها فائق آمد. با استفاده از این روش سه دستاورد مهم بالندگی فردی، اجتماعی وعلمی درباره‌ی جوامع یادگیری شناسایی شد.

شایان ذکر است که در بررسی متون، کدگذاری بر اساس کلمات یا مجموعه‌ای از کلمات که اهمیت راه‌اندازی جوامع یادگیری را در خوابگاه‌های دانشجویی نشان می‌داد صورت پذیرفت.

یافته ها، بحث و نتیجه گیری

تحولات تازه‌ای در طراحی و عملکرد خوابگاه‌ها با هدف ایجاد جوامع یادگیری در حال شکل‌گیری است. در این تحولات، خوابگاه‌ها به محلی ایده‌آل برای پرورش دانشجویان در محیط‌های علمی تبدیل شده‌اند. بسیاری از دانشگاه‌ها برای رشد فردی، اجتماعی و علمی دانشجویان، با بهره‌گیری از تجارب سایر مراکز آموزش عالی، ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها را در اولویت ویژه قرار داده‌اند. به طور کلی سه دستاورد مهم جوامع یادگیری شامل بالندگی فردی(٤ متغیر)، اجتماعی (٦ متغیر) و علمی(٣ متغیر) است که در نمودار ۱ به نمایش گذاشته شده‌اند.

بالندگی فردی. یکی از عمیق ترین دستاوردهای جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها که از برآیند مجموعه پژوهش‌ها و از خلال اظهار نظرها استخراج شد رشد یا بالندگی فردی بود. بالندگی فردی دانشجویان فرایندی برای دستیابی به *آرزوهای انسانی* است. در این فرآیند دانشجویان مهارت‌ها، بینش و شایستگی‌های لازم را برای وصول به سعادت در زندگی کسب می‌کنند. یکی از وظایف آموزش عالی ایجاد فرصت‌های گوناگون برای فراگیری این امر است. بالندگی فردی فرایندی برای توسعه‌ی توانایی‌های فرد، تلاش برای خود آگاهی، شکوفایی خود و انسان‌های دیگر است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]



نمودار شماره ۱. دستاورد مهم جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها

رشد دانشجویان یکی از ارزش‌هایی است که در بیانیه‌ی مأموریت بسیاری از دانشگاه‌های جهان بدان اشاره شده است. یکی از فعالیت‌های مداخله‌گرانه برای رشد فردی دانشجویان ایجاد جوامع یادگیری درخوابگاه‌ها است که در آن دانشجویان مسؤولیت مشارکت فعال در خودبالندگی را به عهده می‌گیرند. بالندگی فردی از جمله مؤلفه‌های مهم خودگردانی و توانایی فرد در ایجاد ارتباط با دیگران است. اولین مرحله از بالندگی فردی دانشجویان خودآگاهی است. وقتی دانشجویان در جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها فعالیت می‌کنند به شایستگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد خود آگاهی بیشتری می‌یابند و به مدد آنها رشد فردی و موفقیت و پیشرفت خود را افزایش می‌دهند. یادگیری از طریق جوامع یادگیری به طراحی نقشه‌ی زندگی دانشجویان توسط ایشان کمک شایانی خواهد کرد و دانشجویان با شرکت در فعالیت‌های مشارکت‌جویانه احساس بهتری نسبت به خود خواهند داشت. این نوع جوامع روش مناسب و کم‌هزینه‌ای برای رشد فردی دانشجویان از طریق نظم بخشیدن، افزایش روحیه‌ی همکاری، افزایش آستانه‌ی تحمل، مسؤولیت‌پذیری، بهبود تصمیم‌گیری، قضاوت عادلانه، پذیرفتن شکست و ارتقای روحیات اخلاقی است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

بالندگی اجتماعی. بالندگی اجتماعی دانشجویان یکی دیگر از دستاوردهای ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها بوده است: اینکه انسان‌ها در کنار بالندگی فردی و علمی باید تربیت اجتماعی شوند. آموزش‌های ما در آموزش عالی در کنار بالندگی فردی، باید روحیه‌ی مسؤولیت‌پذیری دانشجویان برای رشد اجتماعی را با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون افزایش دهند و تقویت کنند. هنر پرداختن به بالندگی اجتماعی در دنیای کنونی *یافتن ظرفیت های اجتماعی* است. وقتی دانشجویان نسبت به خود شناخت واقعی پیدا می‌کنند و از طریق جوامع یادگیری با دیگران ارتباط اجتماعی برقرار می‌کنند به تدریج از شخصیت چندگانه و کاذبی که ممکن است در آنها ایجاد شده باشد دوری می‌جویند و در نهایت به قابلیت‌ها و قدرت واقعی فردی و اجتماعی خود آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند. یکی از منافع این فرآیند *افزایش خود تنظیمی* است. بدین معنی که دانشجویان با قرارگرفتن در جمع برای نتایج عملکرد مثبت خود از منظر دیگر اعضای جامعه اهمیت قائل می‌شوند و کنترل بیشتری روی *اصلاح رفتار* خود و بهبود آن خواهند داشت.

هم اکنون، به دلایل مختلف، نوعی انزوا و از خود بیگانگی در میان دانشجویان حاکمیت یافته است. بدین معنی که نظرات آنها تأثیری بر نتایج تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی افراد و جامعه ندارد. از این رو با کوچک‌ترین مخالفت‌ها عقب‌نشینی می کنند، در حالی که اگر دانشجویان احساسی مثبت نسبت به تأثیر آرا و باورهای‌شان بر محیط و نتایج تصمیم‌گیری‌ها و ارتباط میان رفتارها و نتایج داشته باشند، این احساس به خودی خود گامی به سوی بالندگی فردی و اجتماعی خواهد بود. جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها مسؤولیت‌پذیری و اقتدار دانشجویان را در برابر خود و جامعه افزایش و در نتیجه انزوا و درماندگی را در آنها کاهش می‌دهند. از سوی دیگر، دانشجویان با دیدگاه مستقل خود به قضاوت درباره‌ی علل موفقیت و شکست خود و دیگران می‌پردازند. در صورتی که این ارزیابی از خود مثبت باشد، انگیزه‌های دانشجو افزایش می‌یابد، و در صورت منفی بودن، از دانشجو انتظار می‌رود که با اصلاح رفتار و نگرشش به بالندگی فردی و اجتماعی خود کمک کند. اصلاح رفتار، امیدواری را نیز در میان دانشجویان افزایش می‌دهد. دانشجویان یاد می‌گیرند که چگونه افکار مثبت را جایگزین افکار منفی کنند و اعتماد به نفس واقعی را در خود پرورش دهند. افکار و صفات منفی، شامل نگرانی و اضطراب، خود شیفتگی، توهم، شرمساری، تنفر از خود و احساس مفید نبودن، اثرات غیر قابل جبرانی بر بالندگی دانشجویان خواهد داشت. در حالی که افکار و صفات مثبت،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

استقلال فکری و *اعتماد به نفس بیشتری* را به ارمغان خواهد آورد. اصولاً افرادی که اعتماد به نفس واقعی بالایی دارند احساس بالندگی فردی بیشتری می‌کنند.

جامعه‌ی ایرانی از فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف تشکیل شده است. یکی از وظایف آموزش عالی توجه به افزایش تعاملات نوظهور فرهنگی و اجتماعی است. این در حالی است که تک‌روی و دوری جستن از *فعالیت‌های گروهی* فاصله‌ی دانشجویان را با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و آشنایی آنان را با فرهنگ‌های مختلف در دانشگاه کاهش داده است. بسیاری از دانشجویان علاقه‌ی چندانی به آشنایی با فرهنگ‌های مختلف ایرانی و سازگاری با آنها از خود نشان نمی‌دهند. در حالی که رشد اجتماعی در زیست‌خوان‌های فرهنگی صورت می‌پذیرد. داشتن *مهارت‌های اجتماعی* همچنین به توانایی مسأله‌گشایی دانشجویان، که ضعف در آن مانعی بر سر راه پیشرفت فردی و علمی آنهاست، کمک می‌کند. ایران پایدار به دانش‌آموختگانی مسلح به طیف وسیعی از شایستگی‌ها فردی و اجتماعی نیاز دارد.

دانشجویان دانشگاه‌های دولتی که غالباً از شهرهای کوچک می‌آیند و در شمار اقشار کم درآمد جامعه محسوب می‌شوند ممکن است مهارت‌های لازم را برای برقراری ارتباطات اجتماعی گسترده با فرهنگ‌های متنوع نداشته باشند. در این مورد نیز جوامع یادگیری کمک شایانی به این دسته از دانشجویان ارائه خواهد کرد.

البته، افرادی که در جوامع یادگیری فعالیت می‌کنند گاه ممکن است نگرش‌های متفاوت را احمقانه یا حتی خصمانه تلقی کنند و به درگیری‌هایی نیز دامن بزنند، اما بالندگی دانشجویان از طریق این‌گونه مسأله‌گشایی‌ها و احترام به نظرات دیگران شکل می‌گیرد. نظر به اینکه دانشجویان وقت بیشتری را با یکدیگر صرف می‌کنند انسجام بیشتری در طرح خواسته‌های خود دارند. بسا دانشجویان با رایزنی‌های درون و بیرون گروهی خواستار کاهش حجم دروس، تغییر اهداف یادگیری، یا تغییر رفتار استادان و مسؤولان دانشگاهی شوند و بدین‌ترتیب اقتدار آنها را کاهش دهند، اما در مجموع انسجام میان دانشجویان تاثیرات خوب و مثبتی بر پرورش آزاداندیشی و پاسخگویی دانشجویان و مسؤولان دانشگاهی خواهد داشت، حتی اگر خواسته‌های ایشان موجب بروز تنش‌های در میان جامعه‌ی دانشگاهی گردد. در این میان میانجی‌گری استادان و رهبری علمی و اجتماعی دانشجویان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بخش عمده‌ای از مشکلات استادان با جوامع یادگیری کلاسی و غیر کلاسی ناشی از فقدان تجربه‌ی آنها در کار گروهی است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

داشتن نیروهای انسانی با مهارت‌های فردی و اجتماعی گرچه برای پیشرفت لازم و ضروری است اما کافی نیست. یکی از دستاوردهای مهم که در بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین به آن رسیدم بالندگی علمی دانشجویان در جوامعی یادگیری است.

بالندگی علمی. روی‌هم‌رفته دانشجویان در جوامع یادگیری احساس *مشارکت بیشتری برای فراگیری* دارند. گروه همسان نه تنها فعالیت‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند، بلکه یادگیری را با کمک به یکدیگر و درک بهتر از موضوع افزایش می‌دهد. پیامدها و مشکلات ناخواسته نیز در قالب پویایی‌های درونی گروه آشکار خواهد شد. همگن بودن و ارتباط گسترده میان دانشجویان می‌تواند به تقویت نگرش‌ها و رفتارهای مناسب‌تر آنها بیانجامد. دانشجویان همچنین درباره‌ی دانشگاه و یادگیری مثبت‌تر خواهند اندیشید و *پیشرفت فکری و علمی* بیشتری خواهند کرد.

چند دهه پیش، زمانی که بسیاری از دانشجویان در دانشگاه یا در نزدیکی دانشگاه زندگی می‌کردند، این نزدیکی همکلاسی‌ها و استادان، نوعی نظم اجتماعی و القای ارزش‌ها و فهم مشترک را فراهم می‌کرد. اما هم اکنون بسیاری از دانشجویان در خارج از پردیس‌های دانشگاه و در فواصل دور زندگی می‌کنند و چون فقط برای حضور در کلاس‌ها به دانشگاه رفت و آمد دارند زمان اندکی در دانشگاه حضور می‌یابند و در نتیجه ارتباط آنها با جامعه‌ی دانشگاهی محدود شده است.

کلاس درس برای بسیاری از دانشجویان فقط محلی برای تعاملات چهره به چهره با اعضای هیئت علمی و آشنایی محدود با فرهنگ دانشگاهی است. چنین دانشجویانی به استادان به عنوان یگانه منبع اطلاعات و مسأله‌گشایی می‌نگرند. این انتظار حرفه‌ی استادی و یادگیری و یاددهی را پیچیده می‌کند. دانشگاه باید فضایی باشد که در آن دانشجویان باهم تعامل کنند؛ یکدیگر را به چالش بکشند؛ با دقت و با احترام به سخنان و آرای دیگران گوش دهند و در مواقع ضروری از یکدیگر حمایت کنند. آنچه من در تحلیل مقالات به آن رسیدم اهمیت *سهیم کردن دانشجویان در فرایند تولید دانش* در جوامع یادگیری است. این امر به خودی خود موجبات پیشرفت تحصیلی و بالندگی علمی آنان را فراهم می‌کند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

نتیجه گیری

در دهه‌های اخیر دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته تلاش گسترده‌ی خود را جهت راه‌اندازی جوامع یادگیری در خوابگاه‌ها نشان داده‌اند. اما به‌رغم پیشرفت‌های ایران در عرصه‌ی آموزش عالی، راه‌اندازی این‌گونه جوامع در دانشگاه‌ها با هدف شکوفایی دانشجویان از اقبال شایسته‌ای برخوردار نبوده است. اگر تمهیدی در باره‌ی انتقال دانشجویان به زندگی دانشگاهی اندیشیده نشود، سهواً شرایطی ایجاد خواهد شد که مانع رشد دانشجویان می‌شود. پویایی گروه‌های یادگیری به پویایی برنامه‌های دانشگاهی بستگی تامّ دارد؛ به ویژه به ایجاد جوامع یادگیری کوچک و تعاملات درون و بیرون گروهی، خصوصاً درمیان دانشجویان سال‌های بالاتر. جوامع یادگیری برتر جوامعی هستند که در آنها دوستی، انسجام و وحدت مهم و با ارزش محسوب می‌شوند. دانشجویان در قالب گروه‌های همکار به گسترش ارتباطات درون و بیرون گروهی در زمینه‌های علمی و اجتماعی مدد می‌رسانند. این نوع فعالیت‌ها ممکن است به پرورش دانشجویان برتر کمک کنند. در عین حال،فقدان یا ضعف برنامه‌ای منسجم به ناامیدی شرکت‌کنندگان و احساس شکست آنها منجر خواهد شد. اجرای این‌گونه برنامه‌ها در خوابگاه‌ها فرصتی مناسب برای اجرایی کردن تلفیق تجربه‌ی زندگی اجتماعی و یادگیری است و می‌تواند در بالندگی فردی و علمی دانشجویان مفید باشد.

بدیهی است که هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند به طور کامل به اهداف خود تحقق بخشد و هر برنامه‌ی یادگیری ممتاز نیز برای دستیابی به اهدافش با مشکلات غیر قابل پیش‌بینی روبرو خواهد شد. برنامه‌ریزان و مسؤولان آموزش عالی در ایران همواره با اصل رویارویی با پیامدهای ناخواسته روبرو هستند. شاید مهم‌ترین اصل در شکل‌گیری موفقیت‌آمیز این‌گونه جوامع باور مسؤولان و راه‌اندازی آزمایشی و محدود آنها در جوامع همسان است. بدیهی است سن و سوابق علمی تقریباً مشترک به مثابه چسبی است که تجربیات فردی، علمی و اجتماعی را به هم متصل می‌کند.

پیشنهادها

بر اساس بررسی های انجام شده در این مطالعه دو پیشنهاد زیر برای راه اندازی جوامع یادگیری در خوابگاههای دانشجویی ارائه می شود:

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

ایجاد جوامع هم رشته‌ای‌ها و همکلاسی‌ها. در این نوع جوامع دانشجویان با هم رشته‌ای‌ها و همکلاسی‌های خود زندگی می‌کنند. در این نوع جوامع، ارتباط تنگاتنگ با برنامه‌های کلاسی مشترک و تعامل با دانشجویان مقاطع بالاتر در اولویت قرار می‌گیرد. تلاش بر این است که تجربیات دانشجویان از طریق تعامل با هم رشته‌ای‌های خود افزایش یابد. دانشجویان با انجام پروژه‌های مشترک به یاددهی و یادگیری می‌پردازند و در نتیجه احساس تعلق بیشتری نسبت به رشته تحصیلی خود پیدا می‌کنند.

ایجاد جوامع استعدادهای درخشان. این نوع جوامع بر اساس نیازهای دانشجویان نخبه طراحی می‌شوند و ارتباط نزدیکی با بخش استعدادهای درخشان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای هیئت علمی دارند. در این نوع جوامع دانشجویان در یک طبقه با هم رشته‌ای‌های خود زندگی می‌کنند و از منابع و امکانات بیشتری در حوزه پرورش استعدادهای درخشان برخوردارند. همچنین، درگیری دانشجویان با ایده‌های جدید، ترویج تفکر انتقادی و نیز ایجاد مکانیزمی برای ارتباط آنها و اعضای هیئت علمی برجسته حائز اهمیت‌اند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع

محمودی راد، مریم آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). "خوابگاههای دانشجویی به مثابه جوامعی برای یادگیری". *طب و تزکیه*. شماره ۵۳.

Andrade, M. S. (2008). "Learning Communities: Examining Positive Outcomes". *Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice*, Vol. 9 No.1 pp.1-20.

Bewley, J. L. (2010). "Living-Learning Communities and Ethnicity: A Study on Closing the Achievement Gap at Regional University". ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, University of North Texas.

Frazier, W.; Eighmy, M. (2012). "Themed Residential Learning Communities: The Importance of Purposeful Faculty and Staff Involvement and Student Engagement". *Journal of College and University Student Housing*, Vol.38, No.2 pp.10-31.

Forret, M. ; Eames, C.; Coll, R. (2008). "Understanding and Enhancing Learning Communities in Tertiary Education in Science and Engineering". *Teaching and Learning Research Initiative (ED512071).*

Howard A. (2000) England- Kennedy E., "Transgressing boundaries through learning communities". *Journal of Cooperative Education*. Vol. 36, No.1, pp.76 – 82.

Humphreys, Henry J., III. (2010). "The Psychosocial Effect of Residentially-Based Learning Communities on First Year Honors Students in a Highly Selective Private University". *ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, Boston College*.

Inkelas, K. K. (2011). "Living-Learning Programs for Women in STEM". *New Directions for Institutional Research*, No. 152 pp.27-37.

Johnson J. (2001). "Learning communities and special efforts in the retention of university students. What works, what doesn't , and is the return worth the inverstment?" *Journal of College Retention* , Vol. 2, No.3 ; pp.19 – 38.

Kabes, Sharon; Lamb, Dennis; Engstrom,John (2010). "Graduate Learning Communities: Transforming Educators". *Journal of College Teaching & Learning*. Vol.7, No.5, pp.47-56.

Krippendorff, K. (1980). Content Analysis: An Introduction to Its Methodology. Newbury Park, CA: Sage.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

Kuh, G. D. (2007). How to Help Students Achieve.*Chronicle of Higher Education*, Vol.53, No.41, p.B12.

Pershing J (2002). "Using document analysis in analyzing and evaluation performance Improvement". Vol 41, No. 1, pp. 38 – 43.

Richburg-Hayes, Lashawn; Visher, Mary G.; Bloom, Dan(2008). "Do Learning Communities Effect Academic Outcomes? Evidence from an Experiment in a Community College". *Journal of Research on Educational Effectiveness*,. Vol.1, No.1 pp. 33-65.

Schwinges, R. C. (1998). "The Medieval German University; Transformation and Inovation. Paedagogica Historica: International journal of the history of education, Vol.34, No. 2, pp.375-388.

Schudde, L. T. (2011). "The Causal Effect of Campus Residency on College Student Retention". *Review of Higher Education*, Vol.34 No.4, pp.581-610.

Smith, R. A. (2011). "Learning Community Transitions in the First Year: A Case Study of Academic and Social Network Change". *Journal of The First-Year Experience & Students in Transition*, Vol.23, No.2 pp.13-31.

Stemler S. (2001). "A review of content analysis practical assessment", *Research & Evaluation.* Vol. 7, No.17, pp.17- 25.

Swaner, L. E., & Brownell, J. E. (2008). "Outcomes of high impact practices for underserved students: A review of the literature". Washington, DC: Association of American Colleges and Universities.

Tharp, T. J. (2009). "Learning Communities for University Students At-Risk of School Failure: Can They Make a Difference?" ProQuest LLC, Ed.D. Dissertation, Tennessee State University.

U.U. (2014). Living Learning Communities Available at: http://housing.utah.edu/options /living-learning-communities/

USD (2014). Available at: http://www.sandiego.edu/residentiallife/pdf/2013-14FreshmanLLCFlyer.pdf

Wallace, J. A. (2012). "The Philosophy of University Housing". *Journal of College and University Student Housing*, v38 n2 pp. 94-99.

Arminio, J. (1994). "Living-learning centers: Offering college students an enhanced
college experience", *The Journal of College and University Student Housing.* Vol. 24, No 1, pp.12-17.

Billson, J., & Terry, M. (1982). "In search of the silken purse: Factors in attrition among first generation students", *College and University*,Vol. 58,pp. 57-75.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

Blimling, G. S. (1989). "A meta-analysis of the influence of college residence halls on academic
Performance", *Journal of College Student Development,*Vol 30, pp. 298-308.

Clemons, S.A., Banning, J.H., & McKelfresh, D.A. (2004)." Importance of sense of place
and sense of self in residence hall room design". *Journal of Student Affairs,* Vol.13,pp. 8-6.

Coldfelter, I., Furr, S. & Wachowiak, D. (1984). "Student living environments and
their perceived impact on academic performance". *The Journal of College and University
Student Housing,* Vol.14, No.1, pp. 18-21.

Colwell B. W., & Lifka, T. E. (1983)." Faculty involvement in residential life". *Journal of College and University Student Housing,* Vol.13, pp. 9-14.

Eddy, J., Herman, D. E., & Milani, J. R., Jr. (1989)." Faculty model in student housing. *Journal of College Student Personnel",*Vol. 23, pp.166-167.

Ellett, T.; Schmidt, A. (2001) "Faculty Perspectives on Creating Community in Residence Halls"
Journal of College and University Student Housing, Vol.38, No.1 pp.26-39.

Gabelnick, F., J. Macgregor, R. Matthews, and B. Smith (1990). "Learning Communities: Creating Connections Among Students, Faculty, and Disciplines". New Directions for Teaching and Learning. Jossey-Bass, Vol. 41, pp. 61-75.

Henry, K. B., & Schein, H. K. (1998). "Academic community in residence halls: What
differentiates a hall with a living/learning program"? *Journal of College and University
Student Housing,* Vol. 27, No.2, pp. 9-14.

Hill, P. (1985). " The rationale for learning communities and learning community models". (Report No. JC 890 389). Olympia, WA: Washington Center for Improving the Quality of Undergraduate Education.ERIC No. ED 309 818.

Hoover, R.E. (1997) "The Role of Student affairs at metropolitan universities". New Directions for Student Services. Vol 79 pp.15-25.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

Hu, S. & Kuh, G.D. (2003). Diversity Experiences and College Student Learning and
Personal Development. *Journal of College Student Development*, Vol. 44, No. 3, pp. 320-334.

Jackson, G. S., & Stevens, S. (1990). "Incorporating faculty and staff into residence halls". *Journal of College and University Student Housing*,Vol. 20, No.1, pp. 7-10.

Johnson, J. & Romanoff S. (1999). Higher Education Residential Learning Communities: What are the Implications for Student Success? *College Student Journal*, Vol. 33,No. 3, pp. 385-399

Kanoy, K. W., & Bruhn, J. W. (1996)." Effects of a First-Year Living and Learning Residence Hall on Retention and Academic Performance". *Journal of the Freshman Year Experience & Students in Transition* ,Vol. 8, No.1, pp. 7-23.

Kuh, G.D. (1993). In Their Own Words: What Students Learn outside the Classroom.
American Educational Research Journal, Vol. 30, No. 2, pp. 277-304.

Levin, B., & Clowes, D. (1982). The effect of residence hall living at college on attainment of
the baccalaureate degree. *Journal of College Student Personnel*, Vol. 23, pp.99-104.

Levine, J., & Tompkins, D. (1996). "Making learning communities work: Seven lessons from Temple University". *AAHE Bulletin*, Vol. 39, No. 7, pp. 3-7.

Luzzo, D. A., & McDonald, A. (1996). "Exploring Students' Reasons for Living on Campus". *Journal of College Student Development* ,Vol. 37, No. 4, pp. 389-395

Muldoon, R. L.; Macdonald, I. (2009). "Building Learning Communities in Residential Colleges".
Journal of University Teaching and Learning Practice, Vol. 6, No. 2. Available at: http://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ892412.pdf

Pike, G. R., Schroeder, C. C., & Berry, T. R. (1997). "Enhancing the educational
impact of residence halls: The relationship between residential learning communities and
first-year college experiences and persistence". *Journal of College Student Development,*

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

Vol. 38, No. 6, pp. 609-621.

Riker, H. C. & DeCoster, D. A. (1971).” The educational role in college student
Housing”. *The Journal of College and University Student Housing* ,Vol. 1, No. 1 pp. 3-7.

Pocorobba, J. S. (2001). Living and Learning in Style. *American School & University*, Vol. 74 No.3, pp. 332-35.

Simono, R. B., Wachowiak, D. G., & Furr, S. R. (1984).” Student living environments
and their perceived impact on academic performance: A brief follow-up”. *The Journal of*
College and University Student Housing, Vol. 14, No.1, pp. 22-24.

Schein, H. K., & Bower, P. M. (1992).” Using living/learning centers to provide integrated
campus services for freshman”. *Journal of the Freshman Year Experience* ,Vol. 4, No.1,pp. 59-77.

Shushok, F., Jr.; Scales, T. L.; Sriram, R.; Kidd, V. (2011). “A Tale of Three Campuses: Unearthing Theories of Residential Life that Shape the Student Learning Experience”
About Campus, Vol. 16, No.3 pp.13-2.
Smith, B. L. (1993). “ Creating learning communities”. *Liberal Education,* Vol.79, No.4, pp.32-39.

Smith, B. L., & Hunter, M. R. (1987). “Learning communities: A paradigm for educational
Revitalization”. *Community College Review*,Vol. 15, No.4, pp. 45-51.

Velez, W. (1985). “Finishing college: The effects of college type”. *Sociology of Education*, Vol. 58 ,pp.191-200.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]